

## غزل شماره ۱۷۰

زاهدِ خلوت نشین دوش به میخانه شد

از سرپیمان برفت با سرپیمان شد

صوفی مجلس که دی جام و قدح می شکست

باز به یک جرعه می، عاقل و فرزانه شد

شاهدِ عهدِ شباب آمده بودش به خواب

باز به پیرانه سرعاشق و دیوانه شد

منجی ای می گذشت راهزنِ دین و دل

در پی آن آشنا از همه بگانه شد

آتش رخسارِ گل خرمین بلبلِ سوخت

چهره خندانِ شمع آفتِ پروانه شد

گریه شام و سحر شکر که ضایع نکشت

قطره بارانِ ماکوهر یکدانه شد

نرکسِ ساقی بخواند، آیتِ افونگری

حلقه اورادِ ما مجلسِ افسانه شد

مترل حافظ کنون بار که پادشاست

دل بردلدار رفت جان بر جانانه شد

## تفسیر فال

دعای شما در زمان نماز صبح و شب بی‌اثر نماند و خداوند، با رحمت و لطف خود، دری به روی شما گشود که منجر به دستیابی به عقل و فرزاندگی گردید. این نعمت بزرگ نه تنها درک عمیق‌تری از زندگی را برای شما فراهم می‌آورد، بلکه توانایی تشخیص دوست از دشمن را نیز تسهیل می‌کند. با بهره‌گیری از این بصیرت تازه، قادر خواهید بود تا به سادگی متوجه شوید که آفت‌ها و چالش‌ها از کدام سمت به سوی شما می‌آیند. هنگامی که مسیرهای پرخطر را شناسایی کردید، می‌توانید با احتیاط بیشتری از آنجا دوری کنید و در نهایت تصمیم‌های عاقلانه‌تر و سنجیده‌تری اتخاذ نمایید. این فرآیند نه تنها به حفظ آرامش ذهنی کمک می‌کند بلکه مسیر موفقیت را برای شما هموارتر خواهد ساخت.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو و سلام دنیا](#)